



اصل پذیرش «مهدویت» مسئله‌ای است که فرق اسلامی بر آن توافق دارند

نگاه‌های تندی در برخی از پیروان وهابیت افراطی خصوصاً جریان‌ی که دنبال تخریب و تضعیف انقلاب اسلامی ایران هستند نسبت به مسئله مهدویت وجود دارد.

نگاه‌های تندی در برخی از پیروان وهابیت افراطی خصوصاً جریان‌ی که دنبال تخریب و تضعیف انقلاب اسلامی ایران هستند نسبت به مسئله مهدویت وجود دارد.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه-مصطفی شاکری گرکانی: موضوع ظهور منجی آخرالزمان که در شریعت اسلامی با آموزه مهدویت پیوند خورده است، از موضوعات اساسی است که در همه ادیان و شرایع گذشته مطرح بوده و نوید آینده‌ای روشن را برای جامعه بشری به همراه دارد؛ جامعه‌ای که در آن روابط افراد بر پایه عدالت استوار خواهد بود و هر انسانی به کمال مطلوب خویش خواهد رسید. تشکیل آرمان شهر مهدوی در آخرالزمان وعده‌ای است که خداوند در کتب آسمانی از جمله قرآن کریم به صراحت بیان فرموده است و به همین سبب وعده نابودی ظلم و ستم را در آن هنگام، وعده‌ای قطعی قلمداد کرده است.

این آموزه ارزشمند و امیدبخش در طول تاریخ با آسیب‌های فراوانی نیز همراه بوده و همواره افرادی سعی کردند باور مؤمنان به منجی آخرالزمان را به انحراف بکشانند و آن را مورد سو استفاده قرار دهند. شاید بارزترین نمونه سو استفاده از منجی باوری را بتوان تشکیل رژیم صهیونیستی به شمار آورد که ایده آن با بهره‌گیری از باورهای آئین یهود درباره سرزمین موعود شکل گرفت. ظهور داعش نیز یکی دیگر از جریان‌های منحرفی بود که در سالیان اخیر و با ادعای زمینه‌سازی برای ظهور منجی آخرالزمان پدیدار شد. پخش برخی مستندها در سال‌های اخیر نیز یکی دیگر از انحرافات بود که سعی داشت با برخی تطبیقات نادرست، اعتقادات شیعیان درباره مهدویت را در راستای اهداف سیاسی خود به بازی بگیرد.

بنابراین اهمیت مسئله مهدویت و منجی باوری از یک سو و ضرورت توجه به آسیب‌ها و انحرافات آن، ضرورت تحقیق و کسب آگاهی در این زمینه را روشن می‌سازد. در همین راستا خبرگزاری مهر تصمیم دارد در قالب پرونده‌ای ابعاد مختلف مسئله مهدویت و منجی گرایی را مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا با حجت الاسلام جواد اسحاقیان درجه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و کارشناس مهدویت درباره اعتقاد وهابیت به مهدویت گفت و گو کردیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانیم؛

*ابتدا یک معرفی اجمالی درباره خود فرقه وهابیت بیان بفرمائید.

وقتی کلمه وهابیت در شکل کلی اش به کار می‌رود منتسب به محمد بن عبدالوهاب است. خب آنها با اقتضائات و شرایطی در سرزمین حجاز ورود پیدا کردند و کم‌کم قدرت پیدا کردند و عقاید خاص خودشان را مطرح کردند و تاکنون نیز آن جریان، جریان غالب است و در برخی کشورهای دیگر هم مدارس گسترده با تبلیغات فراوان برای تربیت پرشمار طلاب و دانشجویان متناسب با اعتقادات خودشان دایر کردند. این وهابیتی است که منتسب به محمد بن عبدالوهاب است ولی وقتی به طور مطلق وهابیت گفته می‌شود نگاهمان محدود به دوران متاخر نیست بلکه شامل قرون قبل هم می‌شود و گروه سلفیه و ابن تیمیه و ابن قیم جوزی را هم در بر می‌گیرد.

*در مورد اعتقادات وهابیت درباره منجی و حضرت مهدی (عج) توضیح بفرمائید و ضمناً اشاره کنید میان باورهای وهابیت و اهل سنت درباره این مسئله چه تفاوت‌هایی وجود دارد.

وقتی ما از وهابیت سخن می‌گوئیم از یک گروه یا یک طیف کاملاً مشترک صحبت نمی‌کنیم، یعنی ما یک وهابیت داریم که منتسب و مربوط به سلفیه است که در رأس آن ابن تیمیه و ابن قیم جوزی است با آرا و عقایدی که داشتند، یک وهابیت جدید هم داریم که با رویکردهای سیاسی و اجتماعی همراه است و تقابل و ضدیت شدیدی با اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی و رویکرد اعتقادی شیعه از جمله در مسئله مهدویت دارد. باید توجه داشت همه کسانی که وهابی نامیده می‌شوند از این دست نیستند و تنها گروهی از وهابی‌ان این گرایش را دارند، حتی گروه‌هایی پیدا می‌شوند که منسوب به وهابیت هستند ولی نگاه معتدل و عقلانی تری دارند.

به طور کلی در وهابیتی که در زمان ابن تیمیه مطرح می‌شود و بخشی از وهابیت امروز هم از آن دیدگاه پیروی می‌کنند، دیدگاه خاصی نسبت به مهدویت وجود دارد. اصل پذیرش مهدویت مسئله‌ای است که گروه‌های مختلف بر آن توافق دارند، به جز ابن خلدون که البته در مورد ابن خلدون هم برخی محققان می‌گویند اراده و قصد ابن خلدون انکار اصل مهدویت نبوده است بلکه به

ضعف بخشی از روایات مهدویت اشاره کرده است و در واقع می خواسته بگوید بخشی از روایات مهدویت دارای ضعف سند هستند. لذا اینکه کسانی منکر اصل مهدویت باشند ما سراغ نداریم، چه در وهابیت و غیر وهابیت.

در عین حال دیدگاه وهابیت نسبت به مهدویت، با دیدگاه شیعیان تفاوت هایی دارد از جمله اینکه به لحاظ همان رویکرد ظاهرگرایی که اینها نسبت به احادیث داشتند، ظواهر برخی روایات مثل روایات طول عمر حضرت را دیدند و در آن مناقشه کردند و اشکال گرفتند. این در حالی است که ما در آیات و روایات نمونه هایی بسیاری از طول عمر داریم از جمله انبیایی که طول عمر داشتند و دارند و هنوز زنده هستند، ولی این متون مورد غفلت آنها واقع شده است، لذا اشکالاتی به این مسئله وارد کردند. غیر از مسئله طول عمر امام، یکی دیگر از موضوعاتی که نسبت به آن اشکال وارد کردند این است که امام عصر (عج) از نسل امام حسین (ع) باشد که در این مورد هم مناقشاتی دارند. همچنین با استناد به روایت جعلی که در آن از پیامبر (ص) نقل شده است: «اسم پدر او، اسم پدر من است» نتیجه گرفتند اسم امام عصر (عج) عبدالله است. قاعدتاً این روایت از سوی علمای شیعه مورد مناقشه قرار است ولی وهابیت از زمان ابن تیمه اصرار داشته که این روایت درست است ولی شیعیان از این مطلب غفلت کردند و آن را نپذیرفتند.

به هر حال این چند نمونه مصادیقی است که نشان می دهد وهابیت به دلیل اتکا به ظواهر روایات و عدم پالایش روایات بخشی از گزاره های مهدویت را مورد مناقشه قرار داده و اعتقادات شیعه را مردود دانسته است ولی درباره اصل مسئله مهدویت بر اعتقاد خودش باقی است.

یکی دیگر از موضوعات مورد مناقشه تولد یافتن امام عصر (عج) و در قید حیات بودن ایشان است که با موضوع طول عمر نیز تناسب دارد. در این قسمت میان اهل سنت و وهابیان مشترکاتی وجود دارد یعنی اهل سنت نیز معتقدند مهدی موعود هنوز تولد نیافته و بعداً متولد خواهد شد، وهابیت هم همین مطلب را با شدت و تاکید بیشتری بیان می کند و نسبت به شیعه هجمه می کنند و تولد امام عصر (عج) را مورد مناقشه قرار می دهند. این در حالی است که در تشیع، هم قرآنی بسیاری بر میلاد امام زمان (عج) وجود دارد و هم شهودی مثل حکیمه خاتون و دیگران بر این مطلب گواهی دادند و هم گزارشات تاریخی نواب بر این مسئله گواهی می دهد.

به هر حال مواجهه با تولد امام زمان (عج) یکی از موضوعاتی است که وهابیت با شدت بیشتری به آن می پردازد در حالی که در اهل سنت هم مطرح شده است. البته ما در میان اهل سنت کسانی داریم که حضرت مهدی (عج) را تولد یافته می دانند و می گویند شرایطی که دنیا امروز با آن مواجه است و اینکه دنیا رویکرد مثبتی به اسلام و آموزه های مهدویت پیدا کرده است نشان می دهد یک مدیریت معنوی در دنیا وجود دارد که توسط امام دوازدهم صورت گرفته است. بنابراین از این اقوال هم میان اهل سنت وجود دارد هرچند این نظریه خیلی فراگیر نیست.

از آن طرف نگاه های تند در برخی از پیروان وهابیت افراطی خصوصاً جریانی که دنبال تخریب و تضعیف انقلاب اسلامی ایران هستند نسبت به این مسئله وجود دارد چراکه یکی از نقاط اتکای انقلاب اسلامی مسئله مهدویت و موضوع نیابت آن حضرت در عصر غیبت است. لذا آنها با شدت بیشتری و حتی گاهی در حد تمسخر درباره موضوع تولد امام یا کرامت ها و مسائل اعجازی هنگام تولد صحبت می کنند و به نفی آن می پردازند.

*آیا ظهور داعش را می توان با باورهای وهابیت درباره منجی گرایی مرتبط دانست؟

یک مسئله این است که داعش به چه شکلی پیدا شد. خب جریان اولیه داعش وابسته به القاعده بودند و به جهت اختلافات و انشعاباتی که در القاعده پیدا شد، داعش ظهور پیدا کرد. حالا ما با این بحث کاری داریم. نکته دیگر این است آنچه الان موسوم به داعش است با برخی از آموزه های وهابیت ارتباط دارد از جمله آموزه هایی که در وهابیت پیرامون تکفیر دیگران مطرح است. همین آموزه به شکل شدیدتر در داعش مشاهده می شود. حتی در دوران اوج قدرت داعش من می دیدم یک گروهی از گروه های تکفیری، گروه دیگر را تکفیر می کرد یعنی حتی درون خودشان همدیگر را تکفیر می کردند. طبیعتاً وقتی شما مرز تکفیر را بدون معیار توسعه دهید این اتفاق خواهد افتاد چه در وهابیت و چه در داعش. پس اشتراکات و نسبت هایی میان این دو جریان هست.

درباره ارتباط داعش با منجی گرایی باید عرض کنم اولاً آنها القابی برای خلفای داعش قرار می دادند که برگرفته از همان چیزی است که در مباحث مهدویت وجود دارد؛ القابی مثل قریشی، هاشمی. یعنی آن نسبت ها و اوصافی که ما در مورد موعود و منجی می گوئیم آنها هم مورد استفاده قرار می دادند. نکته دیگر اینکه آنها روایاتی در رسانه های خودشان استفاده می کردند که وعده آمدن مهدی موعود را می داد و آنها خودشان را زمینه ساز آمدن مهدی موعود می دانستند یعنی این حرکت های جهادی را نوعی حرکت آزادی بخش و زمینه ساز برای قیام مهدی موعود می دانستند. وقتی بنده رسانه های آنها را دنبال می

کردم شاهد بودم که آنها مسئله مقدمه ساز بودن و آماده سازی اقتضائات برای آمدن مهدی موعود را صراحتاً بیان می کردند.